

نگاهی تحلیلی به رفتار احمد بن عیسی در تبعید برخی از راویان

محسن کرمی^۱

چکیده

مکتب حدیثی قم یکی از بزرگ‌ترین مکتب‌های حدیثی شیعه است. دیدگاه‌های این مکتب و رفتارهای آن تأثیر بسیاری بر دیدگاه و رفتار محدثان دیگر داشته است. یکی از رفتارهای ویژه که در دوره‌ای از اوج مکتب قم رخ داد، اخراج سه نفر از محدثان به سبب غلو و یک نفر به سبب نقل از ضعفا بود. قرارگرفتن احمد بن محمد بن عیسی در مَسند مهم ریاست حوزه قم و اخراج گروهی از راویان نام‌دار، پرسشی است که همواره در مباحث حدیثی و رجالی مطرح می‌شود. تاکنون پاسخ‌های متعددی به این پرسش داده شده؛ اما نویسندگانی بر این باور است که از رهگذر شناخت شخصیت‌های نام‌برده و نیز بازشناسی شخصیت ابن عیسی و همچنین توجه به فضای آن دوره، می‌توان احتمالات دیگری نیز مطرح کرد. نگاشته حاضر ابتدا شناسایی مختصری از موضوع غلو و مکتب قم ارائه کرده و سپس شخصیت ابن عیسی و محدثان تبعیدشده را معرفی می‌کند؛ آنگاه به تحلیل درباره احتمالات دیگر نسبت به چرایی اخراج این افراد از قم، می‌پردازد.

واژگان کلیدی

سهل بن زیاد، احمد بن محمد بن خالد برقی، ابوسمینه، حسین بن عبید الله المحرر، رمی به غلو، نقل از ضعفا، مکتب حدیثی قم، رجال، علوم حدیث.

درآمد

یکی از معیارهای اعتبارسنجی حدیث، سلسله‌سندی است که آن را تا معصوم می‌رساند. یکی از ملاک‌های صحّت سند، معتمدبودن راویان آن است. افراد غالی غیر قابل اعتمادند. غلو دارای عوامل

فردی و اجتماعی و دربردارنده منافع شخصی و حب و بغض‌هاست. ائمه اطهار علیهم السلام به شکل‌های گوناگونی با جریان غلو برخورد کرده‌اند. معرفی غالیان، رفتار خاص با آنان، توصیه به طرد آنها و بررسی احادیث و کتاب‌هایشان از جمله رفتارهای ائمه علیهم السلام در برابر این فرقه بوده است. بزرگان شیعه نیز به تبعیت از امامان خود با این مسأله برخورد کردند.

در بررسی سندی احادیث، مشایخ هر راوی هم مورد توجه قرار می‌گیرند. اگر یک راوی از افراد ضعیف، نقل بسیاری کند، خودش تضعیف شده و روایاتش کمتر مورد اعتنا قرار می‌گیرد. مکتب قم که در پذیرش احادیث، دقت بالایی داشت، در برخورد با راویان غالی و راویان کثیر النقل از ضعف، سخت‌گیری ویژه‌ای را اعمال می‌کرد. یکی از محورهای این سخت‌گیری، تبعید برخی از راویان بود.

این مقاله به تحلیل برخورد احمد بن محمد بن عیسی در اخراج سه راوی به سبب غلو و اخراج برقی به جهت نقل از ضعف می‌پردازد. محور این تحلیل، بررسی شخصیت این راویان در کنار شخصیت ابن عیسی و نیز توجه به فضای آن دوران و چند رویداد به ظاهر کم‌اهمیت است. در حقیقت، نویسنده از راه این بررسی، درصدد پی‌بردن به انگیزه‌های غیر مشهود چنین رفتاری است.

کتاب‌ها و مقالات بسیاری در موضوع غلو نگاشته شده که کامل‌ترین آن «غالیان، کاوشی در جریان‌ها و برآیندها تا پایان سده سوم» از نعمت الله صفری فروشانی و «خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه‌های شیعه در عصر امامان» از علی آقانوری است. مقالات «پیرامون پدیده غلو و جریان غالی‌گری در شیعه»^۲، «بررسی اندیشه غلو در تاریخ شیعه»^۳ و «پیشینه غلو در اسلام و ادیان پیشین»^۴ نیز در این موضوع نگاشته شده است. درباره مکتب قم هم نگاشته‌هایی وجود دارد؛ مانند مقاله‌های «شجره علمی خاندان اشعری قم»^۵، «گستره علم امام در مکتب قم و بغداد»^۶، «نگاهی به مکاتب حدیثی شیعه در سده‌های اولیه»^۷ و کتاب‌های «مکتب حدیثی قم»^۸، از محمد رضا جباری، «مکتب کلامی قم» از احمد عابدی و «مدرسه قم و بغداد» از آندره نیومن.^۹ نوشته‌هایی درباره شخصیت احمد بن محمد بن عیسی،

۲. از سید محمد رضوی.

۳. از سمیه کارگر.

۴. از سایت دایرة المعارف ظهور.

۵. از محمد حاج‌تقی.

۶. از سید ابراهیم افتخاری.

۷. از محمد رضا جباری. (همه نگاشته‌های یادشده از راه جست‌وجوی اینترنتی، قابل دست‌یابی است.)

۸. هر سه کتاب، در کنگره بزرگداشت حضرت معصومه علیها السلام قم چاپ شده است.

سهل بن زیاد، برقی و ابوسمینه نیز وجود دارد.^۹ هیچ کدام از نگاهته‌های یادشده، از راه شخصیت‌شناسی راویان اخراجی و رئیس حوزه قم و نیز توجه به وضعیت آن روز قم و ارتباط آن را ری به تحلیل انگیزه‌های این رفتار نپرداخته‌اند.

این نگاهته، ابتدا نگاهی به مفهوم غلو داشته و سپس شناختی کلی از مکتب حدیثی قم ارائه می‌کند. آنگاه شخصیت «احمد بن محمد بن عیسی اشعری» و راویان اخراج‌شده توسط وی را بازشناسی می‌کند. از این رهگذر به تحلیلی درباره انگیزه‌های اخراج دست می‌یابد.

الف) شناخت غلو و مصادیق آن در شیعه

«غُلُو» بر وزن فُعُول، مصدر فعل «غَلَى، يَغْلُو» است. این ماده، معنای افراط، ارتفاع، بالارفتن و تجاوز از حد و حدود هرچیزی را می‌دهد.^{۱۰} هنگامی که تیر از کمان، تجاوز می‌کند، می‌گویند: «غَلَى». شیخ مفید می‌گوید: «غلو در لغت، گذشتن از حد و خارج شدن از اندازه مناسب است.»^{۱۱}

در فرهنگ اسلامی، واژه «غلو» برای تندروی در دین و اعتقاد به مقامات فرابشری برای اولیای الهی به کار می‌رود؛ مانند این که پیامبر صلی الله علیه و آله را خدا بدانند یا برای امامان علیهم السلام اختیاراتی فراتر از بشر قائل شوند.

محدثان شیعه درباره گونه‌های غلو سخن گفته‌اند که دیدگاه شیخ صدوق به عنوان نماینده مکتب قم و علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی ذکر می‌شود. مصادیق غلو در اندیشه شیخ صدوق را می‌توان این‌چنین برشمرد:

۱. اعتقاد به فضایی برای امامان علیهم السلام که خود ایشان آن را قبول ندارند.
۲. ادعای الوهیت و ربوبیت برای امامان علیهم السلام.
۳. اعتقاد به تفویض امور عالم مانند خلق و رزق به امامان علیهم السلام.
۴. اعتقاد به تجلی خداوند در برخی از افراد.
۵. اعتقاد به برتری ولی بر نبی.
۶. انکار سهو النبى.^{۱۲}

۹. ن. ک: مقاله «علمای اشعری قمی» و مقاله «ابوجعفر محمد بن احمد برقی» از سید جعفر ربانی و «خاتمه مستدرک الوسائل» و کتاب «سهل بن زیاد آدمی» از حیدر مسجدی.

۱۰. المفردات، ص ۳۷۷؛ النهایه، ج ۳، ص ۳۸۲.

۱۱. تصحیح الاعتقاد، ص ۱۰۹.

۱۲. الاعتقادات، ص ۱۰۱.

شیخ حرّ عاملی در همهٔ موارد با شیخ صدوق موافق است اما علامه مجلسی شمارهٔ یکم و ششم را برنشمرد و برای ردّ مورد ششم، احادیث نفی سهو از پیامبر و ائمه علیهم السلام را آورده است. البته مرحوم مجلسی، اذعان دارد که آیات و روایات بسیاری بر صدور سهو از معصومان علیهم السلام دلالت می‌کند؛^{۱۳} ولی از دیدگاه وی انکار این امر، به غلو ختم نمی‌شود. مجلسی، سه مورد دیگر را نیز از مصادیق غلو شمرده است:

۱. اعتقاد به علم غیب معصومان علیهم السلام از راهی غیر از وحی و الهام.
۲. پیامبردانستن امامان علیهم السلام.
۳. اعتقاد به این که معرفت به معصومان علیهم السلام انسان را از انجام عبادات و ترک معاصی بی‌نیاز می‌کند.

وی همهٔ اینها را کفر و الحاد دانسته و معتقد است که اگر در برخی از روایات شیعه چنین مطالبی آمده باشد، یا قابل تأویل بوده و یا از دروغ‌پردازی‌های غالیان است.^{۱۴}

ب) مکتب حدیثی قم

مکتب حدیثی به مجموعه اندیشه‌هایی گفته می‌شود که در مبانی، اخذ و نقل حدیث، همسو بوده، روش و کلیات حدیثی مستقل و متفاوت با دیگر اندیشه‌ها دارند.^{۱۵} با این تعریف، قم، دارای یک مکتب حدیثی بوده است.

۱. شناخت مکتب حدیثی قم

قم یکی از شهرهای مورد توجه شیعیان و محدّثان به حساب می‌آید. روایات اهل بیت علیهم السلام دربارهٔ امتیازهای قم و شیعیان مقیم آن، اظهار محبّت شدید مردم قم به اهل بیت علیهم السلام،^{۱۶} عنایات ویژهٔ اهل بیت علیهم السلام به مردم قم،^{۱۷} هم‌نشینی و روابط حضوری^{۱۸} و مکاتبه‌ای^{۱۹} شیعیان و محدّثان قم با ائمّه اطهار علیهم السلام و حضور نمایندگان امامان شیعه حاکمی از جایگاه رفیع این منطقه در آن دوران است.^{۲۰}

۱۳. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۳۵۰.

۱۴. همان، ص ۳۳۶.

۱۵. مکتب حدیثی شیعه در کوفه تا پایان قرن سوّم هجری، ص ۹.

۱۶. ن. کد رجال کشی، ص ۵۰۵.

۱۷. ن. کد رجال نجاشی، ص ۳۳۲.

۱۸. ن. کد رجال کشی، ص ۶۱۶.

۱۹. ن. کد رجال کشی، ص ۳۲۹.

۲۰. ن. کد بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲ و ج ۹۵ و ۲۱۲ و ۲۱۶ و ۲۱۷.

مهاجرت اشعری‌ها در سال ۸۲ق از کوفه به قم، یکی از مهم‌ترین سرفصل‌های تاریخی این منطقه محسوب می‌شود. اشعریان مهاجر، شیعه امامی بوده و توانستند در مدتی کوتاه، موقعیت خود را در قم تثبیت کنند.^{۲۱} یکی از امتیازات خاندان اشعری، وجود تعداد بسیاری راوی ثقه در بین آنهاست. اعتبار علمی این خاندان و تلاش‌هایشان در عرصه فقه و حدیث، موجب افزایش اثرگذاری و نفوذ آنان شد. شاید در انتخاب قم برای هجرت، نزدیکی این شهر به ری که یکی از مراکز مهم حکومت عباسیان بود، نقش داشت. اشعریان نیز خاندانی شجاع و اهل مبارزه بودند؛ همین ویژگی موجب شد تا به سرعت، مورد توجه مرکز حکومتی ری قرار گیرند. رفته‌رفته، حوزه قم به یکی از پایگاه‌های بسیار معدود مرجعیت شیعه تبدیل شد. امام رضا علیه السلام در پاسخ به علی بن مسیب که از آن حضرت پرسیده بود:

به هنگام دسترسی‌نداشتن به شما، دین خود را از چه کسی فرا گیرم؟

فرمودند:

از زکریا بن آدم قمی که امین در امور دین و دنیا است.^{۲۲}

و در جایی دیگر، عبد‌العزیز بن مهتدی را به یونس بن عبد‌الرحمن قمی ارجاع دادند.^{۲۳} نام محدثان قم در بیشتر اسناد منابع روایی متقدم شیعه آمده به‌گونه‌ای که گویای کثرت نقل حدیث توسط آنان و تبخشان در این فن است.^{۲۴} نص‌گرایی علمای قم به همراه دقتشان در نقل احادیث، گونه‌ای از جامع‌نگری نسبی را به آنان بخشیده بود.^{۲۵} این ویژگی باعث شد با برخی از محدثان بزرگ مانند ابراهیم بن هاشم از کوفه احایت بسیاری را همراه خود به قم آورده و اجازه نشر آن را بیابد.^{۲۶} حسین بن سعید هم احادیش را برای عرضه به حسین بن روح نوبختی تقدیم نمود.^{۲۷}

در دوره‌ای که احمد بن محمد بن عیسی به عنوان بزرگ اشعریان و نیز بزرگ قم بود، برای حفظ این شهر و مکتب علمی آن، جلو هرگونه کاری را که موجب تحریک حکومت می‌شد، می‌گرفت. برای

۲۱. ن. کذ تاریخ قم، ص ۲۴۰.

۲۲. رجال کشی، ص ۵۹۵.

۲۳. ن. کذ همان، ص ۴۸۳.

۲۴. ن. کذ الفهرست، ش ۳۹ و ۴۰ و ۴۹ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۷ و ۶۴.

۲۵. ن. کذ الاعتقادات (صدوق)، ص ۷۴.

۲۶. ن. کذ رجال نجاشی، ص ۱۷.

۲۷. ن. کذ الغیبه، ص ۲۴۰.

او حفظ و گسترش شیعه و نشر حدیث اهل بیت علیهم السلام بیش از درگیری با حکومت که نتیجه آن شکست و ضعف شیعیان بود، ارزش داشت.

با توجه به گزارش‌های تاریخی و رجالی، چهار نفر از محدثان قم تبعید شدند که سه نفر متهم به غلو بودند. نکته مهم این است که تبعید محدثان تنها در زمان ریاست احمد بن محمد بن عیسی رخ داد؛ یعنی نمی‌توان این رفتار را به اندیشهٔ مکتب قم تسری داد بلکه شاید بتوان آن را نوعی سلیقهٔ شخصی برداشت‌شده از اندیشهٔ مکتب قم دانست.

۲. شخصیت احمد بن محمد بن عیسی اشعری

نسب احمد بن محمد بن عیسی به ابوعامر از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد که در جنگ حنین به شهادت رسیده^{۲۸} و پیامبر برای او طلب مغفرت کردند.^{۲۹} پدر بزرگ او عیسی بن عبد الله از اصحاب امام صادق علیه السلام بود که ایشان دربارهٔ وی فرمودند:

او از ما اهل بیت است چه زنده باشد چه نباشد.^{۳۰}

پدر احمد، محمد بن عیسی از بزرگان قوم خود بوده که نجاشی از وی به «وَجْهَ الْأَشَاعِرَةِ» یاد می‌کند. وی در طبقهٔ اصحاب امام رضا و امام جواد علیهما السلام بوده است.^{۳۱}

رجالیان، احمد بن محمد بن عیسی را از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام به شمار آورده‌اند.^{۳۲} گزارشی مبنی بر ملاقات او با امام حسن عسکری علیه السلام وجود ندارد و گفته شده که وی به دلیل کهولت سن و محاصره امام حسن عسکری علیه السلام توسط دشمن نتوانست به محضر ایشان شرفیاب شود؛ اما مکاتباتی با حضرت دربارهٔ مسائل دینی و اجتماعی داشت. از این رو گاهی وی را جزو اصحاب امام عسکری علیه السلام نیز می‌شمارند.^{۳۳}

رابطهٔ احمد با امامان علیهم السلام ارتباطی خاص بود به‌گونه‌ای که امام عسکری علیه السلام هنگام سفارش به یاران، به دنبال او فرستادند و نظر او را دربارهٔ شیعیان دیگر، جویا

۲۸. ن. کد رجال نجاشی، ص ۸۲؛ فهرست، ص ۸۱۴.

۲۹. ن. کد همان؛ همان، ص ۸۱۶.

۳۰. ن. کد رجال نجاشی، ص ۳۳۲.

۳۱. ن. کد رجال نجاشی، ص ۳۳۸.

۳۲. ن. کد رجال نجاشی، ص ۸۲؛ خلاصه الاقوال، ص ۱۴.

۳۳. ن. کد ستارگان حرم، ص ۱۰۲.

شدند.^{۳۴} مقام علمی، کرامت نفس و فضایل بسیاری برای او نقل شده است. برخی از مناصب و مناقب وی عبارتند از:

اول: رهبری شیعیان قم:^{۳۵} او به خاطر توانایی‌هایش، رهبری شیعیان قم را بر عهده گرفت. قدرت سیاسی و اجتماعی وی چنان شد که وقتی بر اساس برداشت شرعی، عده‌ای را از قم اخراج کرد، هیچ‌کسی توان مخالفت نداشت.^{۳۶} او را به «وَجْهَ الْقُمِّیِّینَ وَ وَجِیْهَهُمْ» یاد کرده‌اند.^{۳۷}

دوم: فقیه و مرجع تقلید شیعیان: جایگاه علمی ابن عیسی چنان بود که مرجعیت شیعیان قم و شیخوخت حوزه علمیه را عهده‌دار شد. وی را به «شَیْخُ الْقُمِّیِّینَ» و «فَقیهُ الْقُمِّیِّینَ» یاد کرده‌اند.^{۳۸}

سوم: صاحب‌نظر در عقاید: مجموعه احادیث اعتقادی ابن عیسی تنها در کتاب کافی به ۵۴۱ روایت می‌رسد که برخی از موضوعات آن عبارت است از: شناخت خدا،^{۳۹} صفات الهی،^{۴۰} معنای اسماء الله تعالی،^{۴۱} ضرورت وجود حجّت و امام،^{۴۲} تفویض برخی از امور دینی به پیامبر صلی الله علیه و آله،^{۴۳} واگذاری برخی از امور الهی به ائمه علیهم السلام،^{۴۴} شناخت اهل بیت علیهم السلام شرط قبولی طاعات.^{۴۵} نظر به فراوانی روایات اعتقادی ابن عیسی می‌توان او را فردی صاحب‌نظر در اعتقادات دانست.^{۴۶}

چهارم: عمل به وظیفه و تسلیم در برابر حقیقت: احمد بن عیسی در تصمیم‌گیری و کار، قاطع بود. اگر در تشخیص، دچار اشتباه می‌شد، دست از سخن‌نخست، می‌کشید. شاید حضور وی در تشییع جنازه احمد برقی با پای پیاده، از همین رو باشد.^{۴۷}

۳۴. ن. کذ رجال کشی، ج ۲، ص ۸۵۱ - ۸۵۸.

۳۵. ن. کذ رجال نجاشی، ص ۸۲.

۳۶. ن. کذ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۹۲.

۳۷. ن. کذ الفهرست، ص ۶۰.

۳۸. ن. کذ همان.

۳۹. ن. کذ الکافی، ج ۱، ص ۲۱۲.

۴۰. ن. کذ همان، ص ۲۶۳.

۴۱. ن. کذ همان، ص ۲۶۸.

۴۲. ن. کذ همان، ص ۴۳۳.

۴۳. ن. کذ همان.

۴۴. همان، ج ۲، ص ۶۹۹، ح ۱۳۸۹.

۴۵. همان، ج ۱، ص ۴۴۳، ح ۴۷۲.

۴۶. ن. کذ: پایان‌نامه «آراء و اندیشه‌های کلامی احمد بن محمد بن عیسی اشعری».

۴۷. ن. کذ رجال ابن غضائری، ص ۳۹.

پنجم: تلاش در کسب دانش و معارف اهل بیت علیهم السلام: احمد بن محمد بن عیسی با اینکه مسئولیت‌های مهم اجتماعی را بر عهده داشت، در راه کسب دانش و معارف اهل بیت علیهم السلام، همت فراوانی به خرج می‌داد.^{۴۸} شمار نگاهشته‌های وی را به ۱۵ رسانده‌اند که اکنون جز یک کتاب منسوب به وی چیزی از نگاهشته‌های مستقل او باقی نمانده؛ اما روایات وی در منابع متقدم، بسیار است.^{۴۹} اساتیدی که احمد بن محمد بن عیسی موفق به دیدار آنها شد، نزدیک به ۱۵۰ نفر هستند، از جمله حسین بن سعید، عبد العزیز بن مهتدی و عبدالله مسکان.

ششم: نشر معارف اهل بیت علیهم السلام: یکی از محورهای تلاش ابن عیسی، تبلیغ دین و نشر حدیث اهل بیت علیهم السلام بود. همچنین او بر روند انتشار حدیث، نظارت داشته و اجازه ورود روایات ناشناخته را به قلمرو تحت زعامت خویش نمی‌داد. برخی از شاگردانش همچون محمد بن حسن صفار (صاحب بصائر الدرجات)، محمد بن علی بن محبوب و محمد بن یحیی عطار (صاحب نوادر الحکمه) هستند.^{۵۰}

هفتم: جایگاه وی نزد اهل سنت: اهل سنت هم از ابن عیسی به بزرگی یاد کرده‌اند. ابن ندیم (م ۳۷۵ق) می‌نویسد:

ابوجعفر، احمد بن محمد بن عیسی از جمله دانشمندان است و این کتاب‌ها از اوست: طبّ کبیر، طبّ صغیر و مکاسب.^{۵۱}
ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق) می‌نویسد:

احمد بن محمد بن عیسی علامه‌ای است از استادان شیعیان قم. او فردی مشهور بوده و کتاب‌هایی دارد.^{۵۲}
بنا بر اهمیت مسائل اعتقادی و تأثیر آن بر جامعه، احمد در زمان خود با دو جریان انحرافی غلو و واقفیه برخورد کرده و برای برخورد با غالیان از ائمه علیهم السلام کسب تکلیف کرد.^{۵۳}

۴۸. ن. که رجال نجاشی، ص ۳۹ و ۴۰.

۴۹. نگاهشته‌های وی عبارتند از: التوحید، فضل النبی صلی الله علیه و آله، المتعه، النوادر، التاسخ و المنسوخ، الاظله، المسوخ، الحج، المبود، الملاحم، الطبّ الکبیر، الطبّ الصغیر، مکاسب، مسیل الامام الهادی علیه السلام و فضائل العرب. تنها کتابی که از وی باقی مانده، نوادی است که انتشارش به ابن عیسی روشن نیست. روایاتی که احمد، بدون واسطه از امامان علیهم السلام نقل کرده، بسیار اندک است. او بیش‌تر از طریق راویان دیگر، روایت می‌کند. مجموع احادیث احمد (باواسطه و مستقیم) به ۲۲۹۰ حدیث می‌رسد. (ن. که معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۰۹)

۵۰. ن. که همان.

۵۱. فهرست ابن ندیم، ص ۲۷۸.

۵۲. لسان المیزان، ص ۲۶.

۵۳. ن. که رجال کشی، ص ۵۱۷.

علی بن حسکه و قاسم یقطینی سردمداران اصلی غلو در زمان احمد بودند. وی گزارشی از تبلیغات آنان خدمت امام حسن عسکری علیه السلام فرستاد و در آن نوشت:

گروهی پیدا شده‌اند که برای مردم سخنرانی می‌کنند. آنها سخنانی از طرف شما و پدرانتان برای شیعیان می‌گویند. دل‌های ما گفتار آنان را نمی‌پذیرد. اینان دو نفر به نام‌های علی بن حسکه و قاسم یقطینی هستند که می‌گویند مقصود خدا از نماز در «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^{۵۴} رکوع و سجود نیست؛ بلکه مردی است که مردم را از زشتی باز می‌دارد. همین‌طور مقصود از زکات، همان مرد است؛ نه مقداری درهم که انفاق شود. آنها بقیه واجبات و محرّمات را نیز به همین صورت تأویل کرده‌اند. بر ما شیعیان منت گذاشته، راه سالم را به ما معرفی کنید.

حضرت در پاسخ نامه نگاشتند:

این، دین ما نیست. از این سخنان دوری بجوی.^{۵۵}

او پس از شهادت امام کاظم علیه السلام، در برخورد با واقفیان، نامه‌هایی به امامان علیهم السلام نوشته و مسائل فقهی و غیر فقهی را از ایشان پرسیده و مردم را به آنها ارجاع دادند. رجالیان و تاریخ‌نگاران به اخراج بعضی از محدثان توسط احمد اشاره کرده و از موقعیت سیاسی و قدرت او و سخت‌گیری‌اش در نقل حدیث و قاطعیت وی در نقد عقیده برخی از محدثان به‌ویژه اخراج‌شدگان، سخن گفته‌اند. وحید بهبهانی می‌نویسد:

در موارد متعددی احمد بن محمد بن عیسی و ابن غضائری، راوی را متّهم به غلو و کذب می‌کردند؛ زیرا او روایتی را نقل می‌کرد که مضمون آن در نظر آنها غلوآمیز بود.^{۵۶}

۵۴. یعنی «نماز از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد.» (عنکبوت، ۴۵)

۵۵. رجال کشی، ج ۲، ص ۸۰۲ و ۸۰۳.

۵۶. الفوائد، ص ۳۸ و ۳۹.

با توجه جایگاه علمی و سیاسی ابن عیسی، موقعیت سیاسی قم، توجه وی به احادیث اعتقادی و برخورد این شخصیت با تعدادی از غالیان و تبعید چهار نفر از محدثان، بررسی روایات و احوال رجالی این محدثان ضروری است.

ج) راویان تبعیدشده و احوال آنها

در دوره ریاست احمد بن محمد بن عیسی بر قم، چهار نفر از این شهر اخراج شدند. در این بخش احوال رجالی و حدیثی این گروه، بررسی می‌شود.

۱. سهل بن زیاد

سهل بن زیاد آدمی، در هفت کتاب‌های هشت‌گانه رجالی، تضعیف شده است. مستند تضعیف وی رفتار احمد بن محمد بن عیسی در اخراج او بوده است. ابن غضائری تندترین عبارات را درباره وی بیان داشته است. تنها شیخ طوسی در کتاب رجال خود، سهل را توثیق می‌کند.^{۵۷} بیشتر فقیهان شیعه، احادیث سهل را ضعیف شمرده و سخن نجاشی را مستند خویش قرار می‌دهند. برخی از فقیهان هم مانند امام خمینی، آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله اراکی به وثاقت این شخص تصریح کرده‌اند.^{۵۸}

محدث نوری در خاتمة المستدرک برای اثبات وثاقت سهل، تلاش می‌کند. وی در جایی می‌گوید:

رفتار احمد بن محمد بن عیسی که مستند سخن نجاشی و ابن غضائری است، دالّ بر عدم وثاقت سهل نیست؛ بلکه مراد از ضعیف در حدیث، نقل از ضعیفان و مجهولان و اعتماد بر مراسیل است. این کار، مخالف عدالت نیست؛ همان‌گونه که درباره محمد بن خالد، همه عالمان به وثاقتش تصریح کرده‌اند.

۵۷. ن. کذ رجال برقی، ص ۵۸ و ۶۰؛ رجال کشی، ص ۴۷۴ ش ۴۵۴؛ رجال نجاشی، ج ۱، ص ۴۱۷، ش ۴۴۸؛ رجال طوسی، ص ۴۰۱ و ۴۱۶ و ۴۳۱، الفهرست، ص ۱۰۶، ش ۳۴۱؛ رجال ابن داوود، ص ۴۶۰، ش ۲۲۲؛ التحرير الطاووسی، ص ۱۴۳، ش ۱۸۴؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۲۸؛ جامع الرواه، ج ۱، ص ۳۹۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۱۳؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۷۵، ش ۵۳۹۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۳۷.

۵۸. ن. کذ کتاب الصلاه، ج ۲، ص ۱۳۴؛ کتاب الطهاره، ج ۱، ص ۷۲.

او در ادامه گفته:

واژه «احمق» که فضل بن شاذان درباره سهل، به کار برده، دال بر اخراج سهل از شهرش است؛ نه اینکه بر فساد و فسوق وی دلالت کند.^{۵۹}

البته با بررسی کتاب‌های لغت، این معنا برای ریشه «حمق» یافت نشد.

محدث نوری ادامه می‌دهد که بر اساس برخی از گزارش‌ها سهل بن زیاد، مکاتبه‌ای با امام حسن عسکری علیه السلام داشته و ایشان پاسخ وی را داده‌اند. سند این نامه قابل خدشه بوده و در تهذیب الاحکام، جزو مکاتبات مبهمه قرار گرفته است. بر فرض وجود چنین مکاتبه‌ای، می‌توان گفت که اگر سهل بن زیاد از غالیان بوده و کذبش ثابت شده باشد، امام علیه السلام به وی اعتنا نکرده و پاسخ او را نمی‌دهند. محتوای این نامه هم درباره توحید و فروعات است؛ در حالی که غالیان چنین پرسش‌هایی نداشتند. از سوی دیگر اگر سهل را غالی و دروغ‌گو بپنداریم چگونه عالمان دوره ابن عیسی به این ضعف اشاره نکرده و رجالیان تنها به سخن احمد بن محمد استناد کرده‌اند؟ جالب این که بسیاری از بزرگان مکتب قم و ری، بدون واسطه، از سهل، روایت نقل می‌کنند. همچنین شیخ طوسی در مشیخه تهذیب الاحکام از قول محمد بن علی رازی، سهل را از اجلائی می‌شمرد که در طریق کلینی هستند. میرزای نوری نکات دیگری را هم ذکر می‌کند. او می‌گوید:

وقتی بزرگان حدیث، سهل را به‌عنوان شیخ خود قرار دادند، همین، نشانه وثاقت اوست؛ زیرا سیره عالمان بر این بوده که به‌صورت مستقیم از ضعف نقل حدیث نکنند. همچنین اگر محمد بن احمد بن یحیی از سهل، نقل حدیث کرده؛ حال اگر قاعده وثاقت رجال نواذر الحکمه درست باشد، قاعده فساد روایات سهل، باطل می‌شود. همچنین سهل از مشایخ اجازه شمرده شده است و این نشانه درجه عالی وثاقت می‌باشد.

از دیدگاه میرزای نوری، غلو نزد احمد بن محمد، به‌معنی کاذب مطلق است؛ نه به‌معنی خداشمردن

امامان علیهم السلام.^{۶۰} وی برای این ادعا مستندات نیز دارد.^{۶۱}

۵۹. خاتمة المستدرک، ج ۵، ص ۲۲۶.

۶۰. همان، ص ۲۳۳.

۶۱. ن. ک: مسالک الافهام، ج ۱، ص ۹۵: تصحیح الاعتقاد، ص ۲۴۱.

سهل بن زیاد در منابع حدیثی اولیه، حدود ۳۰۰۰ حدیث دارد.^{۶۲} کافی ۱۹۲۱ حدیث از وی نقل کرده که ۲۷۷ حدیث آن در اصول بوده و از این تعداد، ۶۴ حدیث در کتاب الحجّه است. کتاب من لا یحضره الفقیه ۴۲ حدیث از سهل نقل کرده و شیخ صدوق در آثار دیگرش ۱۳۱ حدیث از او آورده است. تهذیب الاحکام ۴۸۷ حدیث و استبصار ۱۵۴ حدیث از ابن آدمی روایت کرده‌اند. تفسیر نور الثقلین ۳۱۹ حدیث، تفسیر البرهان ۲۳۹ حدیث و تفسیر کنز الدقائق ۳۰۶ حدیث از وی نقل کرده‌اند.

با توجه به این آمار، می‌توان جایگاه سهل بن زیاد را رفیع دانسته و دلیل تبعید وی به ری را توافقی بین ابن عیسی و سهل برای انتقال میراث حدیثی شیعه به این شهر شمرد؛ چراکه برای ری به عنوان مرکز حکومتی بنی عباس پذیرفته نبود که کسی از قم به صورت رسمی در آن شهر، رحل اقامت و تدریس افکند؛ اما یک تبعیدی آن هم از ناحیه اشعریان، برای حکومت و اهالی ری قابل پذیرش بود. همچنین ممکن است، اخراج وی به سبب نگاشته‌های دیگر و یا فعالیت‌هایی باشد که ابن عیسی آن را مضرّ به حال رشد شیعه در قم می‌دانست.

۲. محمد بن علی ابوسمینه

برای وی لقب‌های مختلفی در اسناد روایی آمده شامل: الصیرفی،^{۶۳} الهمدانی،^{۶۴} القرشی،^{۶۵} القرشی مولاهم،^{۶۶} الطّاحی و المقرّی^{۶۷} که بیشتر اینها همراه با نام محمد بن علی می‌آید. کتاب‌های رجالی، وی را این گونه وصف کرده‌اند: رمی بالعلو،^{۶۸} ضعیف جدّا فاسد الاعتقاد،^{۶۹} کذاب غال،^{۷۰} فی بعض روایاته علوّ و تخلیط.^{۷۱} نجاشی، افزون بر گزارش اخراج او از قم، تصریح می‌کند که وی در کوفه به «کذاب» شهرت داشته است.^{۷۲}

۶۲. معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۹۷.

۶۳. الفهرست، ص ۴۰۶؛ رجال نجاشی، ص ۳۳۲.

۶۴. الفهرست، ص ۴۱۲؛ رجال طوسی، ص ۴۳۸؛ رجال ابن غضائری، ص ۹۵؛ رجال برقی، ص ۵۴؛ رجال ابن داود، ص ۵۰۷.

۶۵. رجال برقی، ص ۵۴.

۶۶. رجال نجاشی، ص ۳۳۲؛ رجال ابن داود، ص ۵۰۷؛ خلاصه الاقوال، ص ۲۵۳.

۶۷. رجال کشی، ص ۵۴۵.

۶۸. همان، ص ۵۴۶.

۶۹. رجال نجاشی، ص ۳۳۳؛ خلاصه الاقوال، ص ۲۵۳.

۷۰. رجال ابن غضائری، ج ۱، ص ۹۵.

۷۱. الفهرست، ص ۴۱۲.

۷۲. ن. ک: رجال نجاشی، ص ۳۳۲.

برخی از بزرگان حدیث شیعه، بدون واسطه، روایات بسیاری از ابوسمینه نقل کرده‌اند؛ مانند محمد بن ابی القاسم عبدالله بن عمران ۱۴۵ حدیث، علی بن الحسن بن علی بن فضال ۹۱ حدیث، علی بن ابراهیم بن هاشم ۱۴ حدیث و محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری ۸ حدیث.

ابوسمینه ۳۸۶ حدیث در کتب اربعه دارد که کافی ۲۸۶ حدیث، کتاب من لا یحضره الفقیه ۲ حدیث، تهذیب الاحکام ۷۶ حدیث و استبصار ۲۶ حدیث را در خود جای داده‌اند. شیخ طوسی گفته که محدثان، روایات ابوسمینه را بررسی می‌کنند؛ آنها متون مشتمل بر غلو، تدلیس، تخلیط و نیز مفاهیم منفرد را کنار گذاشته و روایات دیگر او را نقل می‌کنند.^{۷۳} با توجه به این سخن و نیز نقل بزرگان از وی، گویا سیره‌ای بر حفظ آثار خوب ابوسمینه وجود داشته است. در نتیجه می‌توان علت اخراج وی به ری را دورساختن او از مرکز علمی شیعه به جهت اشکالات روایی وی و در عین حال، نشر میراث حدیثی شیعه در ری دانست؛ چه، اینکه ابوسمینه در ری به عنوان مرکز حکومت سنّیان، توان نقل روایات غلوآمیز را نداشت.

۳. حسین بن عبید الله محرّر

نام پدر این راوی، عبد الله و عبید الله گفته شده و با القاب «السَّعَدِی» و «الْقُمِی» از حسین یاد شده است. رجالیان درباره او عبارات «کان صَحِیحَ الْعَقِیدَةِ ثُمَّ اَنْحَرَفَ»،^{۷۴} «لَهُ کُتُبٌ صَحِیحُ الْحَدِیثِ»،^{۷۵} «غَالٍ ظَاهِرًا»^{۷۶} و «یُرْمِی بِالْغُلُوِّ»^{۷۷} را به کار برده‌اند. توجه به سه عبارت نخستین، می‌تواند برخی از احادیث راوی را از دایره مردودشدن یا تضعیف خارج کند.

حسین محرّر در کتب اربعه شیعه ۲۰ حدیث دارد که ۱۶ حدیث در اصول کافی و ابواب مهمی چون «بَابُ اَنَّ الْاِئِمَّةَ نُوْرُ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ» و «بَابُ مَا جَاءَ فِی الْاِثْنِیْ عَشَرَ وَ النَّصِّ عَلَیْهِمْ» آمده و چهار حدیث در تهذیب الاحکام از وی نقل شده است.

با توجه به احادیث موجود وی می‌توان گمان برد که روایات او پالایش شده و علت اخراج او از قم نیز جلوگیری از نقل احادیث غالبانه بوده است.

۷۳. ن. ک: الفهرست، ص ۴۱۲.

۷۴. رجال نجاشی، ص ۶۱.

۷۵. رجال نجاشی، ص ۴۳.

۷۶. رجال کشی، ص ۵۱۲.

۷۷. رجال طوسی، ص ۳۸۶؛ خلاصه الاقوال، ص ۲۱۶.

۴. احمد بن محمد بن خالد برقی

همهٔ رجالیان بر تفه بودن برقی، اتفاق نظر دارند. تنها اشکالی که به وی وارد شده، نقل بسیار از ضعفاء و اعتماد بر مرسلات است که به قول علامه حلّی، این اشکال، ضربه‌ای به وثاقت وی نمی‌زند.^{۷۸} برقی در کتب اربعه ۲۶۲۴ حدیث دارد که ۱۴۲ حدیث از حسن بن علی بن فضال، ۱۶۶ حدیث از حسن بن محبوب و ۲۶ حدیث از علی بن یقطین روایت کرده است. همچنین بزرگانی چون علی بن ابراهیم، علی بن محمد بن عبدالله ابی القاسم بن عمران و محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری از برقی نقل روایت کرده‌اند.

احمد بن محمد بن عیسی، یکبار برقی را از قم اخراج کرد و بار دیگر، او را به قم بازگرداند. همچنین جلالت قدر برقی، امری روشن در منابع متقدم شیعه است. از این رو می‌توان احتمال هماهنگی این عیسی با وی جهت انتقال میراث حدیث شیعه به ری را دور از ذهن ندانست. همچنین می‌توان گفت که دقت ابن عیسی به طریق نقل روایات از سویی و رفتار برقی در نقل کثیر از روایان ضعیف از سوی دیگر، رئیس حوزه قم را بر آن داشته تا پس از تذکرات بی‌نتیجه مکرر، جهت حفظ مرکز علمی شیعه در ایران، اقدام به تبعید برقی نماید.

در مجموع، کثرت روایات فقهی و اعتقادی اخراج‌شدگان در منابع متقدم شیعه، صاحب‌نظر بودن ابن عیسی در فقه و عقاید، نقل حدیث بزرگان شیعه از ایشان، گفته‌های رجالیان دربارهٔ این گروه و حساسیت حکومت وقت نسبت به اشعری‌ها نشان می‌دهد که می‌توان به سراغ تحلیل‌هایی فراتر از آنچه در گزارش‌های رجالی آمده، رفت. از این رو سه نکته قابل طرح است. نخست اینکه شاید حکم اخراج، جنبه سیاسی داشته و به معنای طرد کامل روایان نبوده؛ بلکه موجب کاهش حساسیت حکومت، نسبت به قم شده باشد. دوم این که روایات موجود از این روایان، دوره‌های پالایش را گذرانده و مشمول ضعف مطرح‌شده در رجال نمی‌شود؛ همان‌گونه که دربارهٔ ابوسمینه به این نکته تصریح شده است. سوم اینکه اخراج روایان از قم، موجب نشر میزان قابل توجهی از احادیث شیعه در ری شد؛ رویدادی به ظاهر کم‌اهمیت که احتمال هماهنگی ابن عیسی با اخراج‌شدگان را تقویت می‌کند.

نتیجه

مکتب حدیثی قم، بزرگ‌ترین و ماندگارترین مکاتب حدیثی شیعه است. احمد بن محمد بن عیسی اشعری از بزرگان این مکتب بود. وی در دورهٔ ریاست خویش بر قم، چهار نفر از روایان را تبعید کرد. در

۷۸. ن. ک: خلاصه الاقوال، ص ۱۵.

دوره وی غالیان دیگر و ناقلان دیگری از ضعفا هم در قم می‌زیستند که ابن عیسی آنان را تبعید نکرد. بررسی شخصیت ابن عیسی و راویان اخراج‌شده و نیز بهره‌گیری بزرگان از این محدثان و همچنین توجه به نشر حدیث شیعه در ری توسط این گروه، نشان می‌دهد که احتمال اخراج آنها به دلیل غلو یا نقل از ضعفا، به قوتی که در برخی از منابع رجالی مطرح شده، نیست. شاید مجموعه‌ای از انگیزه‌های سیاسی و تبلیغی، زمینه‌ساز اخراج ظاهری این راویان بوده باشد. البته محدودکردن این راویان در روایت‌گری اعتقادی را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق دار القرآن الکریم، دار القرآن الکریم، اول، ۱۴۱۵ق.
۲. الاعتقادات فی دین الامامیه، شیخ صدوق (محمد بن علی)، تحقیق عبد السید، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق.
۳. الامالی، شیخ طوسی (محمد بن حسن)، قم، دار الثقافه.
۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق.
۵. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، ترجمه حسن بن علی قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، توس، ۱۳۶۱ش.
۶. التحریر الطاووسی، حسن بن زین الدین، تحقیق فاضل جواهری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۱۱ق.
۷. تصحیح الاعتقاد، شیخ مفید (محمد بن محمد بن نعمان)، تحقیق حسین درگاهی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۸. تنقیح المقال، عبد الله مامقانی، نجف، ۱۳۴۹ش.
۹. جامع الرواة، محمد علی اردبیلی، مکتبه المحمّدی.
۱۰. خاتمة المستدرک، حسین نوری طبرسی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۵ق.
۱۱. خلاصة الاقوال، علامه حلّی (حسن بن یوسف)، تحقیق جواد قیومی، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۱۷ق.

۱۲. رجال ابن داوود، حسن بن علی بن داوود حلّی، تحقیق سید محمّد صادق آل بحر العلوم، قم، منشورات رضی.
۱۳. رجال ابن غضائری، احمد بن حسین ابن غضائری، تحقیق سید محمّد رضا حسینی جلالی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۸۰ش.
۱۴. رجال برقی، احمد بن ابی عبد الله برقی، تهران، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۴۲ش.
۱۵. رجال طوسی، شیخ طوسی (محمّد بن حسن)، تحقیق جواد قیومی، قم، جامعه مدرّسین، اول، ۱۴۱۵ق.
۱۶. رجال کشی (اختیار معرفة الرجال)، شیخ طوسی (محمّد بن حسن)، تحقیق محمّد باقر حسینی میر داماد و سید مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۴ق.
۱۷. رجال نجاشی (فهرس اسماء علماء الشيعة و مصنّفیهم)، احمد بن علی نجاشی، قم، جامعه مدرّسین، ۱۳۶۵ش.
۱۸. ستارگان حرم، جمعی از نویسندگان، قم، زائر، اول، ۱۳۷۷ش.
۱۹. سهل بن زیاد آدمی، حیدر مسجدی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۹۴ش.
۲۰. غالبان کاوشی در جریان‌ها و برآیندها، نعمت الله صفری فروشانی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸ش.
۲۱. الغيبة، طوسی (محمّد بن حسن) تحقیق عباد الله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۲۲. الفوائد الرجاليه، محمّد باقر وحید بهبهانی، نسخه نرم‌افزار مکتبه اهل البيت عليهم السلام.
۲۳. فهرست ابن ندیم، محمّد بن ابی یعقوب ابن ندیم، تحقیق رضا تجدد، تهران.
۲۴. الفهرست، شیخ طوسی (محمّد بن حسن)، تحقیق جواد قیومی، قم، جامعه مدرّسین، اول، ۱۴۱۷ق.
۲۵. الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۸۵ش.
۲۶. کتاب الصلاه، محمّد علی اراکی، قم، کتابخانه آیت الله اراکی، اول، ۱۳۷۹ش.
۲۷. کتاب الطهاره، روح الله موسوی خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول، ۱۳۸۵ش.

۲۸. لسان العرب، محمّد بن مكرم ابن منظور، تحقيق جمال الدين ميردامادی، بيروت، دار الفكر و دار صادر، ۱۴۱۴ق.

۲۹. لسان الميزان، احمد ابن علی بن حجر عسقلانی، بيروت، اعلمی، دوم، ۱۳۹۰ق.

۳۰. مسالك الافهام، شهيد ثانی (زين الدين ابن علی)، قم، مؤسسه معارف اسلامی، اول، ۱۴۱۳ق.

۳۱. معجم رجال الحديث، ابوالقاسم موسوی خویی، قم، مرکز نشر آثار شیعه، اول، ۱۴۱۰ق.

۳۲. المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، حسین بن محمّد راغب اصفهانی، تحقيق صفوان عدنان داوودی، بيروت و دمشق، دار القلم و الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.

۳۳. مکتب حدیثی شیعه در کوفه، سعید شفیعی، قم، دار الحديث، اول، ۱۳۸۹ش.

۳۴. النهاية فی غریب الحديث و الاثر، مبارک بن محمّد ابن اثیر جزری، تحقيق محمود محمّد طنّاحی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.

۳۵. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی (محمّد بن حسن)، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دوم، ۱۳۷۲ش.